

ارتباط سطح کلان آینده پژوهی دینی و جامعه مهدوی

بهروز افشار^۱

محمدعلی یوسفی^۲

سیده مژگان تقی زاده^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

چکیده

آینده پژوهی علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فرداست. همان طور که آینده پژوهی در عرصه های علمی، از جایگاه مهم و اساسی برخوردار است، در عرصه علوم دینی نیز می تواند همین جایگاه را داشته باشد. به همین دلیل می توان رابطه ای میان آینده پژوهی و دین برقرار کرد. آینده پژوهی دینی در دو سطح کلان و خرد قابل بررسی است. هدف از این پژوهش، یکی تشریح سطح کلان آینده پژوهی دینی است و دومین هدف این پژوهش، آمادگی برای رسیدن به جامعه آرمانی است. در این مقاله تلاش گردیده تا ضمن بیان ضرورت آینده پژوهی از منظر دین، اهمیت و جایگاه آن در اسلام نمایانده شده و با معرفی آموزه آرمان شهر مهدوی به عنوان اساس آینده پژوهی کلان دینی در اسلام، ویژگی های این آرمان شهر و ساختار معرفتی جامعه در سطحی قابل قبول تشریح گردد. از یافته های این پژوهش می توان به انتظاراتی که دین از مردم با توجه به شاخص های جامعه آرمانی و به اقتضای امکانات و توانمندی های اجتماعی خود دارند، در یک روند تکاملی، حداقل هایی از ویژگی جامعه مطلوب اسلامی را محقق سازند، اشاره نمود. واژگان کلیدی: موعود، آینده پژوهی، آینده پژوهی کلان دینی، جامعه آرمانی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آیت الله آملی، آمل، ایران (نویسنده مسئول) (Afshar1347@yahoo.com).

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آیت الله آملی، آمل، ایران (ma.yousefi@yahoo.com).

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه آیت الله آملی، آمل، ایران (sm.taghizade@gmail.com).

مقدمه

آینده‌پژوهی یکی از شاخه‌های علوم و معارف انسانی است که بنیان‌های فلسفی و نظری آن در نیمه اول قرن بیستم به کوشش نخبگان انگلیسی و فرانسوی پی‌ریزی و از اوایل دوم این قرن، به یک دانش کاربردی رسمی تبدیل شده است. آینده‌پژوهی دینی با بالندگی و شکوفایی خود می‌تواند بستر حرکت سالم و مطمئن را به آینده شکل دهد و براساس آموزه مهدویت، آینده حقیقی و قطعی را محور و مرکز فعالیت‌ها و برنامه‌ها سازد. موضوع مهدویت که آینده و فرجام بشر را در آینده‌ای محتوم و قطعی ترسیم می‌کند، نوعی نگاه آینده‌نگر را در ذهن و جان پیروان خود می‌نشانند و بدین‌سان اندیشه مهدویت نیز تربیت‌کننده انسان‌های آینده‌نگر است (ملکی‌فر، ۱۳۸۸: ۲). تفاوت جوامع اسلامی و سکولار دو چیز است، یکی این که در جوامع اسلامی، سلسله‌مراتب چشم‌اندازها به چشم‌انداز قدسی ختم می‌شود، همه چشم‌اندازها از چشم‌انداز قدسی می‌جوشند. ولی در جوامع سکولار یا لاییک، چشم‌انداز قدسی وجود ندارد و همه چشم‌اندازها به چشم‌انداز عرفی و در بهترین حالت با چشم‌اندازهای -جهانی (که ساخته دست بشر است) ختم می‌شوند و دیگر این که در جوامع لائیک چشم‌اندازهای عرفی از طریق آینده‌پژوهی، ابداع می‌شود، اما چشم‌انداز قدسی را ابداع نمی‌کنند، بلکه آن را از طریق مطالعه و پژوهش در احادیث، آیات و روایات مثل آموزه مهدویت - کشف می‌کنند و به ما می‌شناسانند. پس آینده‌پژوهی قدسی، مبانی و اصول موضوعه خود را از اسلام ناب می‌گیرد که در صورت لزوم از ابزارها و فنون آینده‌پژوهی عرفی با رعایت ملاحظات خاصی بهره می‌گیرد. بر خلاف آینده‌پژوهی عرفی که معمولاً تصاویری منفی و یا نگران‌کننده از آینده بشریت به دست می‌دهد و خیر و شر نهایی بشر را به پیشرفت‌های فناوری موكول می‌کند. آینده‌پژوهی قدسی نگرشی سبز و روینده و بالنده به آینده بشریت وارد می‌کند و درمی‌یابد که زندگی پاک، جز در پرتو آموزه‌های الهی حاصل نمی‌شود و منجی عالم جهان را با نور خود روشن می‌سازد. در ادیان ابراهیمی (توحیدی، آسمانی، وحیانی و...) و ادیان غیر ابراهیمی (غیر توحیدی، بشری، غیر وحیانی و...) است که در هر دو مورد نیز به آینده بشر توجه خاصی مبذول شده است (مرکز مطالعات فرهنگستان علوم، ۱۳۹۳: ۴۶۲). مسئله پژوهش، بررسی آینده‌پژوهی دینی در سطح کلان به عنوان ظهور منجی و مهدویت است و هدف از این تحقیق، شناسایی ویژگی‌های آینده‌پژوهی دینی در سطح کلان و جامعه آرمانی بعد از ظهور می‌باشد. آینده‌پژوهی به عنوان ابزار ترویج مهدویت در سطح جهان است که می‌توان نشانگر جامعه مطلوب قرآنی به نحو

احسن باشد. ارتباط آرمان شهر با آینده پژوهی و نقش و جایگاه دین در آن روشن و بدیهی است و مهدویت نیز همان آرمان شهر قرآنی است. در صورتی که نگرش ما به آینده اراده گرا یانه باشد، باید بدانیم که اراده گرایی مستلزم برنامه ریزی و تلاش برای تغییر است و جامعه منتظر، جامعه ای است که با اراده خود آینده را می سازد و تغییر می دهد و این خواسته قرآن از همه پیروان خود است. روش پژوهش مبنی بر روش کتابخانه ای و اسنادی و مطالعه و مرور کتب، مقالات، سخنرانی و گردهمایی ها و کنفرانس های مرتبط با موضوع می باشد.

پیشینه پژوهش

رحیم کارگر در *آینده پژوهی دینی و آینده جهان از دیدگاه اسلام* در ۱۳۹۵ درباره چیستی آینده پژوهی، تاریخچه، انواع و رویکردهای آینده پژوهی، اهداف و کارکردهای آینده پژوهی، آینده پژوهی دینی، چیستی و ضرورت، کارکردها و جایگاه آینده پژوهی دینی، نشانه های تحقق جامعه آرمانی، آینده اخلاق و معنویت، رجعت و معاد، تحقیق نموده است.

محمد مهدی مظاهری در کتاب *آینده پژوهی دین و ابزارهای نوین ارتباطی* در ۱۳۹۵ به دنبال ارائه راهکارهایی برای ارتقاء و تقویت ارزش های دینی و فرهنگ اسلامی است تا بتواند فناوری های نوین ارتباطی را از ابزاری تهدیدکننده و مخرب فرهنگ اسلامی، به ابزاری مفید و کارآمد برای ارتقای ارزش های بومی تبدیل کند تا ضمن پرهیز از مواجهه سخت افزاری با جامعه به ویژه قشر جوان کشور، به سیاست گذاران و تصمیم گیران فرهنگی کشور کمک کند.

سجاد فرزانه و مریم عبدالهی اسدآبادی در ۱۳۹۳ و در مقاله درآمدی بر آینده پژوهی دینی و جایگاه مهدویت در آن، مهم ترین بعد آینده شناسی اسلام و در واقع جلوه گری غایت مندی تاریخ و نظریه جامع و کامل «نجات گرایانه» دین را «آموزه مهدویت» دانسته است.

محمد رحیم عیوضی در مهدویت، محور آینده پژوهی دینی در ۱۳۹۲ به تبیین نسبت بین مهدویت و آینده پژوهی دینی به روش معرفت شناسانه همچنین بررسی محوریت مهدویت پژوهی در آینده پژوهی دینی اکتفا نموده است.

غلامرضا بهروز لک، به بررسی نسبت مهدویت پژوهی و آینده پژوهی در ۱۳۹۲ با موضوعات مهدویت پژوهی، رویکردهای عمده موجود به مهدویت پژوهی، مهدویت اسلامی و ظرفیت های تبیینی برخی رویکردها پرداخته است.

سعید خزایی در کاربرد روش های آینده پژوهی در مهدویت پیوند آینده پژوهی و علم الانتظار

را در ۱۳۹۱ بررسی نموده است.

محمود علی پورگرگی در کاربرد روش‌های چشم‌انداز در مهدویت‌پژوهی در ۱۳۹۰ به موضوع یکی از روش‌های آینده‌پژوهی به طور خاص به نام چشم‌انداز در مهدویت‌پژوهی پرداخته است.

رحیم کارگر در آینده‌پژوهی و مهدویت از چشم‌انداز قرآنی در ۱۳۸۹ به بحث آینده و اهمیت و ارجمندی شناختی هرچه بیشتر آینده پرداخته و مهدویت را به عنوان کانون محوری آینده‌پژوهی قرآنی مورد بررسی قرار داده است. هم چنین آینده مطلوب و آرمانی قرآن، پیوندهای مهدویت و آینده‌پژوهی با رویکردهای قرآنی را بررسی نموده است.

عقیل ملکی‌فر در آینده‌پژوهی و دین بر تأملات دینی پیرامون آینده‌پژوهی در ۱۳۸۵، به آینده‌پژوهی به مثابه علم‌الانتظار، آینده‌های دنیای اسلام، دیدگاه‌ها و ایده‌های یک آینده‌پژوه مدرن. به شکل کتابخانه‌ای تاکید کرده است.

محمد رحیم عیوضی در درآمدی بر رویکرد جامعه‌شناختی دین در ۱۳۸۲ در حوزه دین‌پژوهی و در حوزه مطالعات دین‌پژوهی اعتقاد دارد رویکرد اجتماعی به دین از این جهت اهمیت دارد که همواره جامعه به صورت نظام اجتماعی با دین به مثابه نهاد اجتماعی، همسویی داشته است.

محمد سعیدی‌مهر در مقاله فلسفه تحلیلی و دین‌پژوهی تحلیلی در ۱۳۸۲ پس از در نظر گرفتن دو معنای عام و خاص برای دین‌پژوهی تحلیلی پیشینه تاریخی دین‌پژوهی تحلیلی در حوزه اسلام مرور شده بعد دین‌پژوهی تحلیلی به معنی خاص آن مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله به بررسی برخی از ابعاد رویکرد تحلیلی در حوزه دین‌پژوهی معاصر پرداخته است. بدالذین اورعی یزدانی در آرمان‌شهر و روش‌های حکومت آرمانی در تفکر اسلامی با استفاده از قرآن و نهج‌البلاغه ویژگی‌های جامعه آرمانی اسلامی را مورد بررسی قرار داده که این ویژگی‌ها به دو دسته تقسیم شده‌اند اول ویژگی‌های جامعه اسلامی و شهروندان آن و دوم ویژگی‌های حکومت آرمانی اسلامی.

آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی، دانش مطالعه آینده (رویدادها، حوادث، روندها، نوآمدها و...) و به منزله علم و هنر کشف آینده و مهارت شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فرداست و در واقع مدیریت و

هدایت آینده را در دست دارد. آینده برای ادیان، کشورها، فرهنگ‌ها، ملت‌ها، نهادها و افراد با اهمیت بوده و تأثیر به‌سزایی بر اتخاذ خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها دارد (کارگر، ۱۳۹۲: ۲۰). آینده‌پژوهی دانش و هنری است که به انسان کمک می‌کند تا وقایع، فرصت‌ها و تهدیدهای آینده را به خوبی بشناسد و هوشمندانه از بین آینده‌های ممکن، باورکردنی و محتمل به انتخاب آینده‌های مطلوب و مورد نظر بپردازد و با این رویکرد آینده را صلب، محتوم، قطعی و بدون تغییر تصور نکند (وندل بل، ۲۰۰۳: ۲۷۰).

عقل و دین دو عامل مهم برای تصاحب آینده

همه ادیان ابراهیمی دارای آموزه‌ها و گزاره‌هایی هستند که با آینده بشریت ارتباط تنگاتنگی دارند (ابراهیم‌نژاد: ۱۳۸۵: ۶۰۲). در نتیجه، با نگاه به طول تاریخ زندگی بشری، می‌توان انگیزه‌های اندیشیدن انسان درباره آینده را به دو عامل مهم نسبت داد: یکی عقل به عنوان عامل درونی^۱ و دیگری تعالیم انبیاء الهی، به ویژه تعالیم قرآن و ائمه معصومین علیهم‌السلام به عنوان عامل بیرونی^۲. این تقسیم‌بندی، به معنای تباین و تعارض بین عقل و دین یا علم محوری و خدامحوری نیست، بلکه باید تأکید کرد که در مکتب قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام این دو برای تصاحب آینده مطمئن و پایدار، لازم و ملزوم یکدیگرند (واعظی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۳).

چگونگی ایجاد نسبت بین آینده‌پژوهی و دین

ظهور منجی و مهدویت در راستای یافتن تصویری از آینده، کامل‌ترین برنامه و بهترین الگوی دینی توسعه و پیشرفت جوامع است (ملکی‌فر، ۱۳۸۸: ۲). آینده‌پژوهی در عرصه ادیان همانند عرصه‌های دیگر علمی، از جایگاه مهم و اساسی برخوردار است، به همین خاطر می‌توان نسبتی میان آینده‌پژوهی و دین برقرار کرد. از طرفی ظهور منجی موعود، از آموزه‌های مشترک و فراگیر ادیان آسمانی است که به عنوان جامعه آرمانی و الگوی یک جامعه مطلوب و کامل مطرح است. شکل‌گیری جامعه موعود، تحقق بخش آرمان دیرپای بشری برای زندگی در یک مدینه فاضله است. این مدینه فاضله در زمین به دست حق پرستان و به رهبری مصلح موعود و با یاری امدادهای الهی به وجود آمده و او اداره آن را در دست خواهد گرفت، این جامعه پایان

۱. حجت باطنی.

۲. حجت ظاهری.

حرکت تاریخ و آغاز حیاتی متکامل و بدون کاستی و نقص است. گسترش ادیان، به علت چشم‌اندازی بودن آن است که این چشم‌انداز خاصیت توسعه‌یابندگی، پیش‌روندگی و الهام‌بخشی دارد و از همین جاست که آینده‌پژوهان معتقدند دین یعنی چشم‌انداز و دین از جنس آینده‌پژوهی است. ظهور منجی به مثابه عاملی چشم‌اندازآفرین می‌تواند از مرز باورهای فردی فراتر رفته و در بطن و متن برنامه‌ریزی‌های بلندمدت اجتماعی بنشینند. ظهور منجی به عنوان مقصد، یک امر قطعی است، اما راه رسیدن به آن مقصد مشخص نیست و احتیاج به پژوهش دارد، و از آن جا که منجی بیش‌ترین ارتباط را با مطالعات آینده دارد، آینده‌پژوهی به مثابه ابزار می‌تواند این راه را به ما نشان دهد. بسیاری دین را منبع عظیم آینده‌نگری می‌دانند و قائل به این معنا هستند که چون ماهیت آینده‌پژوهی حدسی در مورد آینده است، لذا هیچ کس نسبت به آن از مبدع خلق یعنی پروردگار محق‌تر و سزاوارتر نیست. پس دین منبع اصلی آینده‌پژوهی محسوب شده است، اما در مقابل می‌توان گفت چون آینده‌پژوهی را مملو یا متهم به خطا می‌دانند، لذا هرگونه ارتباط دین و آینده‌پژوهی را مردود و دامن دین را از او هام و خطا منزه می‌دانند. از طرف دیگر چون آینده‌پژوهی یعنی حرف زدن بدون تصمیم و اراده تقاطع (اصل عدم قطعیت) پس لاجرم بحث در مورد آینده‌پژوهی تردید است، حال آن‌که دین تردیدبردار نیست. اما در حقیقت بین آینده‌پژوهی و دین کاملاً ارتباط وجود دارد، زیرا دین مملو از آینده‌پژوهی است (مرکز مطالعات فرهنگستان علوم، ۱۳۹۳: ۴۷۶).

سطوح آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی در دو سطح قابل بررسی است:

۱. سطح کلان

سطح کلان آینده‌پژوهی در حوزه دین به فرجام بشر و اندیشه تحقق جامعه آرمانی، به آمدن منجی در آخرالزمان اشاره دارد. در این رابطه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

لَو لَمْ يَبْقِ الدَّهْرُ الْآيُومَ لَبَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى رِجَالاً مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلُوها عِدْلًا كَمَا مَلَّتْ جُورًا (ابن داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۳۱)؛

اگر جز يك روز به پایان عمر دنیا نمانده باشد، خداوند تعالی مردی از خاندان مرا بر خواهد انگيخت تا جهان را سرشار از عدل کند، آن‌گونه که از ستم پر شده بود.

۲. سطح خرد

سطح دوم آینده‌پژوهی در آموزه‌های دینی در سطح خرد است که به آینده نزدیک و معین و قابل پیش‌بینی فرد و گروه و جامعه ارتباط پیدا می‌کند. در این سطح، توصیه‌هایی عمومی مانند توصیه به تدبیر، دعا برای حسن عاقبت، پرهیز از موجبات سوءعاقبت و تلاش برای حسن عاقبت، اندیشیدن درباره مرگ به عنوان پایان زندگی در دنیا می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. گرچه دامنه این توصیه‌ها و رهنمودها و آموزه‌ها خرد است و ناظر به رفتارهای جزئی مکلفان است، اما رعایت آنها از مؤمنان انسان‌هایی می‌سازد که همواره و در هر رفتاری نگاه به آینده دارند و به هیچ وجه از آن غافل نمی‌مانند. در سطح خرد آینده‌پژوهی مواردی نیز از پیش‌بینی حوادث آینده به چشم می‌خورد. این پیش‌بینی‌ها که معطوف به آینده‌های دور و نزدیک در حیات دنیایی انسان‌هاست، مرتبط با مسائلی است که در این جا به آن اشاره نمی‌شود (زارع میرک‌آباد، ۱۳۹۲: ۳۸-۴۰).

جامعه آرمانی

واژه جامعه دارای معانی لغوی و اصطلاحی است. جامعه در لغت به معنای گرد آمدن، فراهم آمدن، نزدیکی جسمی به جسم دیگر یا چندین جسم به همدیگر و سازگار کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ۱۰۴۹). جامعه، مؤنث جامع و اسم فاعل از کلمه جمع و در لغت به معنای جمع‌کننده، طوق، غل، گردآورنده و غلی که برگردن و دست نهند آماده است (همان: ج ۵، ۷۳۹۸) در زبان عربی واژه مجتمع و در زبان فارسی جامعه به کار می‌رود و به معنای گروهی از انسان‌هاست که در سرزمینی ساکن هستند و حکومتی واحد دارند (گروه مؤلفان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهران، ۱۳۸۷: ۳۴). آرمان‌شهر^۱ برای نخستین بار توسط توماس مور در سال ۱۵۱۶ میلادی در کتابی به همان عنوان به کار گرفته شد. جامعه آرمانی جامعه‌ای است، تحت ولایت الهی که هدف آن رشد معنوی و مادی بشر است و دائماً در حال رشد و شکوفایی است.^۲ کرامت انسان‌ها در آن رعایت می‌شود، مردم به ولایت الهی و اطاعت از فرامین او تن می‌دهند و عدالت و تقوای الهی را در تمام شئون آن به پا می‌دارند. آرمان‌شهر امری دست‌نیافتنی و در

1. utopia

۲. «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَبِيبَةً كَشَجَرَةٍ طَبِيبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ای رسول) آیا ندیدی که چگونه خدا کلمه پاکیزه را به درخت پاک و زیبایی مثل زده که اصل ساقه آن برقرار باشد و شاخه آن به آسمان (رفعت و سعادت) بر شود؟ (ابراهیم: ۲۴)

زمرهٔ آرزوها تلقی نمی‌شود، بلکه جامعه‌ای است که تعالیم قرآن و عترت و سیرهٔ عملی اهل بیت علیهم‌السلام که متصل به سرچشمهٔ آفرینش انسان و جهان است، خصوصیات آن جامعهٔ آرمانی را برای بشر تبیین کرده‌اند و هرگاه بشر پایبند به اصول و ارزش‌های آن بوده، طعم شیرین آن را درک کرده است. در جامعهٔ آرمانی از همهٔ مواهب و نعمت‌های الهی به درستی و برای رشد فضائل و کمال نهایی بشر استفاده می‌شود (سروری مجد، ۱۳۹۳: ۷۱-۷۳).^۱

ویژگی‌های جامعه آرمانی

هر مکتب منسجم فکری، جامعه آرمانی را برای انسان تصویر می‌نماید و تمام ادیان الهی نیز به تحقق جامعه‌ای بشارت داده‌اند. جامعه آرمانی، غایت هر مسلک و اندیشه‌ای است تا چارچوب معرفتی خویش را براساس آن پی بریزد و با تعیین شاخص‌های وضع مطلوب یک جامعه، راهکارهای نظری برای حل وضعیت موجود ارائه دهد. اگر جامعه آرمانی به درستی ترسیم نگردد، هدف، مسیر و حتی شناخت جامعه فعلی میسر نخواهد بود. بی‌تردید زمانی یک آرمان‌شهر واقعی است و ما را از گرداب خیال‌بافی و افسانه‌گویی‌های می‌بخشد که باید دارای سه خصوصیت باشد:

الف) این طرح براساس حقایق زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی انسان‌ها ترسیم شود و با قابلیت تحقق داشته باشد تا امید رسیدن به آن واهی نباشد؛

ب) چگونگی دست‌یابی به آن باید مشخص باشد؛ در ترسیم مدینه فاضله راه و روش دست‌یابی به آن و در یک معنا زمینه‌سازی برای تحقق آن نشان داده شود. آنچه باعث وهمی و پنداری شدن آرمان‌شهرها می‌گردد جنبه غیرعلمی آنهاست. در اتوپیهایی چون اتوپای^۲

۱. پیشتر مفهوم‌های مشابهی از این واژه در آراء فلاسفه یونان باستان همچون افلاطون و ارسطو عرضه شده بود و در فلسفه اسلامی از آن به عنوان مدینه فاضله یاد شده است. اصل واژه utopia یونانی است و معنی آن جایی که وجود ندارد یا ناکجاآباد می‌باشد. آرمان‌شهر نمادی از یک واقعیت آرمانی و بدون کاستی است که متضمن سعادت و خوشبختی مردم باشد. همچنین می‌تواند نمایانگر حقیقتی دست‌نیافتنی باشد گاه به صورت اساطیر و عصرزین و حماسه‌های بشری جلوه گر شده است و گاه در محک آرمان‌های نظام حاکم از افلاطون، ارسطو و فارابی گرفته تا اتین کابه، رابرت اوئن، شارل فوری، و همگی کوشیده‌اند به توصیف آرمان‌شهر مطلوب خود بپردازند.

۲. مور در بخش دوم کتاب آرمان‌شهر، جامعه آرمانی را به تصویر می‌کشد. مدینه فاضله مور یک جامعه سیاسی است که شکل حکومت آن دموکراسی پارلمانی است و نمایندگان مجلس و مقامات دولتی از ۵۴ شهر آن به طور غیرمستقیم انتخاب می‌شوند و انتخاب به این گونه است که هر ۳۰ خانواده یک گروه را تشکیل می‌دهند، هر گروه یک مدیر (مددیاران) یا نماینده به نام «فیلارک» انتخاب می‌کنند که به مدت یک سال مسوولیت دارد. هر ۱۰ مدیر یک فرد را از بین خود انتخاب می‌کنند و این روند ادامه داشت تا سرانجام چهار شخص انتخاب می‌شوند و از بین

تامس مور،^۱ طراح غالباً دنیای آینده را بدون واسطه بر روی دنیای حال می‌نهد و مدینه فاسده را بی‌واسطه به مدینه فاضله مربوط می‌سازد، بدون آن که یک سو شود، تحول مدینه فاسده به مدینه فاضله و راه کارهای رسیدن به آن را نشان می‌دهد؛

ج) هدف محور باشد؛ در ترسیم مدینه فاضله باید اهدافی اعم از هدف اصلی و نهایی و هدف‌های واسطه برای جامعه آرمانی تعیین شود که دارای مراتب باشد تا آسان‌تر بودن پاره‌ای از مراتب آن، شور و خواست و اراده را در مردم برانگیزاند و آنان را به مبارزه‌های اجتماعی و تغییر اوضاع و احوال موجود مایل و راغب گرداند. چنین طراحی هدف فعالیت‌های اجتماعی را معین و معلوم می‌دارد، زیرا بدیهی است هر عمل عقلانی، هدفی را پیش رو دارد و پیش از هرگونه اقدام عملی در راه اصلاح جامعه باید هدف اصلی و نهایی و اهداف متوسط تعیین شود. اهداف متوسط وسایل باگام‌هایی در راه نیل به هدف نهایی است. با تعیین این اهداف بهترین راه‌ها و وسایل رسیدن به آن هدف نهایی را می‌توان سنجید (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰: ج ۱، ۱۳۳-۱۳۵).

مهدویت پژوهی

مهدویت پژوهی در آینده پژوهی دینی تلاشی است برای ترسیم جایگاه رفیع بی‌انتهای و ملکوتی انسان و تحقق مدینه آرمانی، بنابراین آینده پژوهی دینی با ارائه مجموعه‌ای از چشم‌اندازها و تصمیم‌گیری‌ها و براساس مبانی قرآنی و وحیانی و با طراحی سناریوهایی محتمل، راه‌های ممکن برای رسیدن به وضعیت مطلوب جامعه دینی و مهدوی را ترسیم می‌کند. این وضعیت مطلوب با تجمع پیرامون اصول مشترکی چون توحید، عدالت‌خواهی و با تقویت مبانی فطری و معرفتی حوزه اخلاق و در قالب نظام مردم‌سالاری دینی قابل تحقق است. در آینده پژوهی دینی چهره اصیل و شفاف فطریات بشری، عدالت‌خواهی و

آن‌ها یکی را به عنوان پادشاه انتخاب می‌کنند که تا پایان عمر و تا زمانی که از قانون تخلف نمی‌کند، باقی می‌ماند. مدیران یک شورا داشتند. افزون بر شوراهای مدیران یک مجلس ملی هم بود که قوانین را تنظیم می‌کرد. در اتوپیا ۵۴ شهر وجود دارد که به جز پایتخت، همه از روی یک نقشه ساخته شده بودند و هر دو سال یک بار خانه‌ها را با یکدیگر عوض می‌کنند. همه یک جور لباس می‌پوشند اما میان لباس مرد و زن و متأهل و مجرد تفاوت وجود داشت. همه چیز اشتراکی بود. هر ۳۰ خانواده ناهار و شام را با هم می‌خوردند. دولت به دقت ازدواج را تنظیم می‌کرد. دختران قبل از ۱۸ و پسران قبل از ۲۲ سالگی حق ازدواج ندارند. چند همسری اجازه داده نمی‌شد و طلاق ناپسند است. اما در موارد قابل قبول پس از بررسی دقیق و کامل می‌توان ازدواج را منحل کرد.

1. Sir Thomas More

عدالت‌گستری و اعتقادات اصیل بشری که غایب از بصیرت‌هاست، نمایان خواهد شد و تلاش آینده‌پژوه، پژوهش به منظور ترسیم نقشه راه برای رسیدن به این افق‌های پنهان بشری است (کارگر، ۱۳۹۲: ۸۳). مهدویت‌پژوهی، بررسی علمی و نظام‌مند در یکی از آموزه‌های حیاتی و بنیادین اسلام و دست‌یابی به دیدگاهی جامع درباره هستی و سرانجام حیات بشر و شناخت برنامه و راهبرد اساسی دینی برای زندگی مطلوب، معقول و انسانی است. مهدویت‌پژوهی، رویکرد نوین پژوهی و نظریه‌پردازی دینی در عرصه نجات‌گرایی، حق‌خواهی، حقیقت‌خواهی، چشم به راهی پویا، حجت‌شناسی، انقلاب‌شناسی، اصلاح‌گری، جهان‌گرایی است. مهدویت‌پژوهی شناخت طرح کلان الهی برای آینده بشر و چگونگی قرارگرفتن در مدار مشیت او برای رسیدن به جامعه آرمانی است.

مهدویت‌پژوهی و جامعه آرمانی

دین اسلام همانند سایر ادیان آسمانی، برای جامعه بشر غایت و آینده‌ای روشن و سعادت‌بخش ترسیم می‌کند. آیات و روایات متعدد در این زمینه گویای این مطلب است که انسان در نهایت به جامعه‌ای مبتنی بر حق و حقیقت دست می‌یابد که در آن ظلم و فساد ریشه‌کن شده و عاقبت از آن پرهیزکاران است. نوید اسلامی قیام و انقلاب موعود هم در چارچوب همین نظریه‌ها در ضمن آیات و روایات زیادی بیان شده است. مجموعه آیات و روایاتی که در زمینه مهدویت مطرح شده‌اند، به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند: یک دسته از آنها به ویژگی‌های عصر ظهور و جامعه آرمانی اشاره دارند و دسته دیگر، به مفهوم انتظار و زمینه‌سازی برای عصر ظهور پرداخته‌اند. مصداق کامل جامعه مطلوبی که قرآن و روایات آن را ترویج می‌کنند، در عصر ظهور محقق می‌گردد، اما نباید به عنوان مجموعه شناخت‌هایی نگریسته شود که تنها ترسیم‌کننده وضعیت آینده جهان است و با وضعیت کنونی جوامع هیچ نسبتی ندارد، یعنی اگر الگوپذیری از چنین جامعه‌ای به صورت یک فرهنگ درآید و همه ارکان جامعه، خود را نسبت به شناخت ویژگی‌های آرمانی آن موظف بدانند، آن‌گاه معنای واقعی انتظار تحقق می‌یابد. توجه به همین نکته است که ما را در تفکیک و تمایز جامعه مطلوب و جامعه آرمانی اسلام یاری می‌دهد، لذا نباید به جامعه عصر ظهور به مثابه سایر جامعه‌های آرمانی نگریست، که از سوی دانشمندان ارائه شده است، بلکه باید آن را به الگوی مناسب و کاربردی برای سامان‌دهی زندگی اجتماعی عصر حاضر تبدیل کرد. با چنین رویکردی می‌توان

گونه‌ای از آینده پژوهی (آینده پژوهی دینی) را به خدمت گرفت تا در برنامه ریزی های گام به گام، به عنوان ابزار هدایت اجتماعی عمل و جامعه موجود را در رسیدن به شرایط مطلوب یاری کند (قانع، ۱۳۸۸: ۴۵-۶۸). اندیشه مهدویت و موعودگرایی در اسلام از چنان جایگاه والایی برخوردار است که پیامبر اسلام ﷺ و ائمه علیهم السلام بارها بر آن تأکید کرده و مردم را به آن امید داده اند. از ویژگی های بارز مهدویت این است که می توان آن را از دیدهای گوناگون مورد بحث و بررسی قرار داد. مهدویت از یک نگاه، تنها یک باور اسلامی به شمار می رود، اما از منظری کلان، آموزه ای فراگیر بوده و حتی در مکاتب بشری نیز گونه ای از تحقق جامعه آرمانی در آینده است. از ویژگی های اساسی مهدویت، می توان به این نکات اشاره نمود که در واقع، مهدویت دارای بعدی جهانی است، چرا که مهدویت به گروه و سرزمین یا نژاد خاصی تعلق خاطر ندارد، بلکه تدبیری الهی برای همه انسان ها و دارای گستره جهانی است. هم چنین انتظار برای ظهور منجی، انتظار تحقق غایب بشری است که به تدبیر الهی بر جهان، حاکم خواهد گشت. از ویژگی های جامعه اسلامی عصر مهدوی، تأکید بر فضیلت و سعادت است، در حالی که عصر جدید، تنها بر آزادی انسان مبتنی است. برای رسیدن به غایت اصلی جامعه مهدوی - که همان زمینه سازی برای سعادت، فضیلت و تکامل انسان هاست - عدل و داد، یکی از زمینه های لازم برای تحقق چنین آرمان مهمی به شمار می رود (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰: ج ۱، ۲۷۷-۲۷۸).

رابطه مهدویت پژوهی و آینده پژوهی دینی

مهدویت به عنوان آموزه ای اساسی که از یک سو بر استمرار جریان نبوت و امامت و تاریخ دینی بشر استوار است و از سوی دیگر، دربردارنده چشم اندازهایی و ایده آل حیات در پایان تاریخ زندگی بشر در این دنیا به شمار می رود، لذا آموزه مهدویت کانون مطالعات آینده پژوهانه دینی در علوم اسلامی محسوب می شود. بر این اساس، مسلمانان در پیگیری آموزه ها و معارف اسلامی با چشم انداز روشن و مشخص درباره آینده روبرو هستند که مبتنی بر آن، خاستگاه و سرنوشت نهایی نیروهای فعال در تاریخ زندگی بشر توضیح داده می شود و مطالعه آن، شکل دهنده حوزه ای است که می توان از آن به عنوان آینده پژوهی دینی یاد کرد (آیین، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

جامعه آرمانی مهدوی

در دوران ظهور و روزگار دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آئین یگانه بر جهان حاکم می‌گردد و راه و روش‌ها نیز یکی می‌شود، یگانگی واقعی در عقیده و مرام انسان‌ها پدید می‌آید و همه مردم یک‌دل و یک‌زبان به سوی سعادت حرکت می‌کنند، هم‌چنان‌که در برنامه‌های زندگی اجتماعی نیز اختلافی دیده نمی‌شود. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با چنین اصلی اساسی در ساختن جامعه یگانه بشری به موفقیتی بزرگ و چشم‌گیر دست می‌یابد و همه علت‌ها و عوامل ناسازگاری و درگیری را از بین می‌برد و با یکی کردن عقیده‌ها و ایدئولوژی‌ها راه هرگونه اختلاف را می‌بندد. او وحدتی واقعی را براساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی می‌ریزد و همه انسان‌ها را در دین واحد گرد می‌آورد. بی‌نیازی اقتصادی نصیب همه انسان‌ها می‌شود و همگانی می‌گردد. این آسایش موجب رشد و برتری معنوی و فکری انسان می‌شود. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای رسیدن به این هدف بزرگ انسانی، روش‌ها و عوامل مختلفی به کار می‌گیرد تا به زندگی انسان‌ها سروسامان بخشد و همه مشکلات از قبیل برقراری عدالت اجتماعی، اجرای اصل مساوات، عمران و آبادانی زمین، بازپس‌گیری ثروت‌های غصب شده، کنترل و نظارت دقیق مرکزی و غیره را از میان بردارد. از برنامه‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت فراگیر جهانی است که در آن همه جامعه‌ها از یک مرکز پیروی می‌کنند و با یک سیاست و برنامه اداره می‌شوند. در آن دوران جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تشکیل می‌شود و دوستی و محبت سراسر آبادی‌ها را فرا می‌گیرد و آرزوی همه پیامبران، امامان و مصلحان و انسان‌دوستان تمام دوران تاریخ برآورده می‌شود. در دوران ظهور که همه آرمان‌ها و اهداف انسانی و الهی به حقیقت می‌پیوندد، دانش و شناخت انسان‌ها نیز کامل می‌شود. در آن دوران تمام ناشناخته‌ها شناخته می‌شود و دیگر مجهولی در هیچ یک از علوم و دانش‌ها باقی نخواهد ماند (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۱-۲۴). جامعه آرمانی مهدوی، جامعه مطلوب و توسعه‌یافته‌ای است که در هم‌زیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها و به دور از مفاسد و مشکلات نظام‌های سیاسی موجود، طبق وعده الهی «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) تحقق می‌یابد. تحقق این امر یکی از ویژگی‌های مذهب تشیع است و نه تنها آرمان ابدی و جاودان برای تمامی انسان‌هاست، بلکه نقش‌الگویی نیز برای جوامع امروز دارد. ساختار حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه امامت بنیان‌گذاری می‌شود که امام در رأس هرم قدرت قرار دارد و جامعه را رهبری می‌کند (کارگر،

ویژگی‌های دولت مهدوی

دولتی اخلاقی مبتنی بر ارزش‌های دینی، اخلاقی و عقلانی.
دارای ساختار و سازماندهی امامت و تشکیل دولت واحد جهانی.
کارکرد جامع برای استقرار امنیت، عدالت، رفاه، دانش و پیشرفت انسان‌ها در پرتو تعالی روحی.

حکومت مهدوی برای تحقق چنین حکومتی در سه بعد سیاست، فرهنگ و اقتصاد دارای برنامه‌های راهبردی است (کارگر، ۱۳۸۹: ۲۹۰-۳۵۲). بعد از ظهور نهضتی جهانی برپا خواهد شد و از دید مسلمین مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در سراسر سرزمین به اختیار یا اجبار، فرمان خدا را به اجرا در می‌آورد و از دیدگاه مسیحیت، مسیح از آسمان برمی‌گردد و ملکوت خدا بر روی زمین برپا می‌سازد. ترسیم جامعه آرمانی، به روشنی و با قطعیت صورت می‌گیرد و حتمی و قطعی بودن آن انکارشدنی نیست. در این زمینه توجه به چند انگاره مهم، سودمند است:

این شکل سرنوشت‌باوری و فرجام‌گویی، بر پیش‌بینی علمی و فلسفی مبتنی نیست، بلکه بر وحی و غیبی پایه دارد که علم آن نزد خدا و افراد برگزیده او است. این پیش‌بینی حتمی و قطعی، از آینده‌ای روشن خبر می‌دهد و بر جبری بودن حرکت تاریخ دلالت ندارد. تنها وعده و بشارت حتمی الهی، بر حاکمیت صالحان و حکومت عدل و نابودی باطل است.

پیش‌بینی‌های علمی، همواره به کمک قانون‌های کلی منطقی صورت می‌گیرد و به شکل قضایایی شرطی بیان می‌شود و پیش‌بینی علمی غیرمشروط وجود ندارد. برای مثال: وقتی بگوئیم: اگر کسی سیانور بخورد می‌میرد پیش‌بینی علمی کرده‌ایم. این پیش‌بینی وقتی وقوع خواهد یافت که شرط مذکور تحقق یابد. وعده دادن و از آینده حتمی خبر دادن و پیشگویی پیامبرانه و غیرمشروط کردن، کار علم نیست، بلکه یا کار کذابان تاریخ و یا کار پیامبران صادق است که در هر صورت، از قلم و علم بیرون است. وعده‌های تاریخی به پیروزی این گروه یا آن طبقه و از جبر نامشروط و اجتناب‌ناپذیر تاریخ سخن گفتن، گرچه قدرت تبلیغاتی سخن را بالاتر می‌برد، ارزش علمی آن را می‌کاهد.

مشکل نظریات موجود در فلسفه تاریخ، جبری بودن و ادعای علمی بودن بسیاری از آنهاست، در حالی که در اندیشه قرآن حرکت تاریخ جبری نیست و اراده انسان‌ها تأثیر به‌سزایی

در پویش‌گرفته‌های تاریخ و رسیدن به قله‌های پیشرفت دارد، هر چند این سیر از مشیت و قدرت الهی خارج نیست و براساس قضا و قدر صورت می‌گیرد. هدف خلقت و خواست خدا نیز رسیدن انسان به بالاترین حد کمال و تعالی است، اما این خواست الهی، برگذرانسان‌ها از این راه با اختیار و آزادی تعلق می‌گیرد.

اگر انسان مختار و آزاد نباشد چگونه می‌توان او را امر یا نهی، ستایش یا نکوهش، انذار یا تبشیر، تحذیر یا ترغیب کرد و پاداش و کیفر داد؟ اگر این گونه امور در کار نباشد، چگونه این یا نظام اخلاقی یا حقوقی استقرار خواهد یافت؟ بنابر تصحیح یا اشاره اکثر آیات قرآن، قوانین اجتماعی یا تاریخی، به هیچ وجه اختیار را از انسان سلب نمی‌کنند. این گونه آیات قرآن، به وضوح گویای این مطلب هستند که علل به وجود آورنده پدیده‌های اجتماعی و حوادث تاریخی، یکسره مستقل و بریده از اراده‌های افراد نیستند، بلکه مشتمل بر آنها هستند. بنابراین، شایسته است که با توجه به تجربه گذشتگان، افعال اختیاری خود را چنان سامان دهیم که عواقب نامطلوب در پی نداشته باشند.

اراده و نقش انسان‌ها در حرکت تاریخ و پویش‌گرفته‌های مختلف آن، مانع تحقق بشارت و وعده حتمی الهی - نه پیش‌بینی احتمالی - بر استخلاف صالحان در زمین و آکنده شدن آن از عدل و داد نمی‌تواند گردد. تأثیر اراده بشر در کم و کیف پدیده‌های اجتماعی و تاریخی، پیش‌بینی قطعی آینده، جامعه و تاریخ را از طریق غیروحیانی غیرممکن می‌سازد روشن است که آینده موجودات مختار و از جمله بشر، به سبب همین اراده آزادی که دارند، پیش‌بینی ناپذیر است. هرگاه سخن از اراده آزاد انسان و تصرف اختیاری وی در خودش یا در پدیده‌ای دیگر در میان بیاید، پیش‌بینی قطعی میسر نخواهد شد، مگر این که کسی به طریقی مانند علم غیب، از مبادی اراده آگاه باشد و بداند که برای او در فلان مکان و فلان زمان، چه مبادی نفسانی تحقق خواهد یافت و از نفسش اراده چه کاری صادر خواهد شد. چنین کسی هم در واقع غیب‌گویی می‌کند نه پیش‌بینی. البته کسانی که به تعلیم خدا، آینده جامعه و تاریخ را از غیب می‌گویند، با کسانی که به استناد قوانین اجتماعی و تاریخی، آینده را پیش‌بینی می‌کنند، تفاوت بسیاری دارند (مشتقین، ۱۳۹۱: ۳۰-۳۲).

ویژگی‌های جامعه مهدوی از نظر اسلام

جامعه آرمانی یا همان جامعه مهدوی از نظر شیعه باید دارای خصوصیات ذیل باشد:

۱. تعلیم و تربیت راهی برای دستیابی به جامعه آرمانی

فارابی، هم از سعادت دنیوی و هم از سعادت اخروی بحث می‌کند. به نظر او، وقتی عوامل انسانی یا چهار فضیلت (نظری، فکری، خلقی، عملی) صفات امت یا قومی از مدینه درآیند، سعادت دنیوی آنان در این جهان و سعادت اخروی آنان در جهان دیگر تأمین می‌شود. از نظر وی تعلیم و تربیت باید از راه باوراندن نظام مطلوب، افراد را برای دستیابی به مدینه فاضله تربیت نماید. در نهایت، مسئله تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی، یکی از مهم‌ترین مسائل است و اگر افراد جامعه از ابتدا مورد تعلیم و تربیت صحیح واقع شوند، بنیان یک زندگی اجتماعی سالم بر پایه ارزش‌ها و اصول انسانی ریخته می‌شود و سرانجام، پلی است برای رسیدن به مدینه فاضله که موجب فراهم شدن سعادت، خیراندیشی، تفاهم و خوشبختی برای افراد اجتماع خواهد بود (قادری و غریبی، ۱۳۸۷: ۵). امام محمد غزالی معتقد است هدف نهایی تربیت، رسیدن به قرب الهی است. موضوع تربیت از نظر غزالی، انسان و مقصد نهایی تربیت، کمال اخلاقی است که هدف غایی دین مبین اسلام در هدایت انسان به سوی الله است و بر این اساس وی تربیت را تضمینی برای سعادت دین و دنیا می‌داند (همائی، ۱۳۶۸: ۶۲). از نظر خواجه نصیرالدین طوسی، انسان در زمره موجوداتی است که می‌توانند پذیرای تعلیم و تربیت باشد و کمال تربیت نیز دستیابی به عالم توحید و مقام اتحاد است. وی معتقد است هدف اصلی تربیت اخلاقی ایجاد و استقرار منش‌های معینی است که انسان را به سعادت و کمال و بالاترین مرتبه سعادت یعنی نائل شدن به جوار رب العالمین می‌رساند (طوسی، خواجه نصرالدین، ۱۳۶۰: ۶۴). تعلیم و تربیت اسلامی تحت تأثیر ارزش‌ها و آرمان‌های جهان‌بینی اسلامی، موضوعاتی مانند رشد و هدایت، طهارت و حیات طیبه، تقوا، قرب، رضوان، عبادت و عبودیت را پیگیری می‌نماید به گونه‌ای که کار ویژه تربیت دینی در جامعه اسلامی، همانا شکل‌دهی به باورها و ایمان افراد، متناسب با ارزش‌ها و تعالیم دینی است. در این راستا، یکی از آرمان‌هایی که با اهداف مزبور هماهنگ است، ایمان به فلسفه غیبت و انتظار فرج در رویکرد تربیت مهدوی است که از منظر باورهای اسلامی، به ویژه شیعه، باید از جهت‌گیری‌های غالب و کلان تربیت دینی در جامعه باشد. هم‌چنین باور به مهدویت و انتظار فرج، آموزه‌ای دینی است که از سویی در نگرش جامعه‌شناختی، برای تأمین سلامت روانی افراد، کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی و اصلاح جامعه بسیار نقش‌آفرینی می‌کند، به گونه‌ای که احساس عدالت اجتماعی به عنوان نتیجه باور به مهدویت، انگیزه مناسبی برای جلوگیری از ارتکاب

جرم و ناهنجاری است و از سوی دیگر، از منظر روان‌شناختی، انتظار، امیدواری و وعده‌های پیروزی حتمی، سبب سلامت و قوت روحی و روانی در شخص منتظر خواهد شد. هم‌چنین سبب پدید آمدن هنجارها و مدل‌های رفتاری غالب، زمینه هم‌نوایی، همبستگی و نظم اجتماعی در جامعه خواهد بود. بنابراین مهم‌ترین اهمیت‌های کارکردی تربیت مهدوی در حوزه تربیت دینی برای نوجوانان و جوانان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی جامعه که بهترین دوران زندگی و سرمایه عمر خود را در اختیار نهاد آموزش و پرورش قرار می‌دهند، متناسب با سطوح سنی و ویژگی‌های رشدی آنها، ایجاد نشاط و امیدبخشی، فاصله گرفتن از روزمرگی، نجات از یأس و ناامیدی و امیدوار به آینده نبودن، الگوی عمل داشتن، مراقبت دائمی، انتظار عالی، پاسداری از آئین الهی است. افزون بر کارکرد تربیت دینی در تعمیق و ترویج باورهای منجی‌گرایانه و تأکید بر نقش آموزه انتظار و مهدویت در زندگی فردی و اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های مهم در زمینه‌سازی ظهور و شکل‌دهی جامعه زمینه‌ساز، توجه به نقش انسان و مقوله نیروسازی و تربیت منتظران واقعی در راستای تحقق انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌الشریفات است، زیرا اراده و محتوای باطنی انسان، علت‌العلل تمامی تغییر و تحولات اجتماعی است. بنابراین تربیت مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نقش محوری و مهمی در زمینه‌سازی برای ظهور ایفا می‌کند و لازم است که دولت زمینه‌ساز نسبت به سیاست‌گذاری در تعلیم و تربیت و تدوین نظام آموزش و پرورش براساس آموزه مهدویت و انتظار اهتمام ورزد (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۲: ج ۲، ۱۶-۱۷).

۲. الگوی مصرف اسلامی در جامعه آرمانی

در اسلام اصولی اساسی وجود دارد که پذیرفتن آنها روش زندگی خاصی می‌طلبد، شیوه‌ای که با مصرف‌گرایی تعارض آشکار دارد. هدف‌مندی آفرینش و مسئولیت‌پذیری انسان در اندیشه اسلامی، پیروی از الگوی مصرفی را اقتضا می‌کند که انسان را در راستای نیل به هدف یاری دهد. افزون بر آن، نگرش ویژه قرآن به زندگی دنیا، ثروت و رابطه انسان با دنیا و ثروت، با مصرف بی‌قاعده سازگاری ندارد. ارزش‌های مطرح در حوزه اخلاق اسلامی از جمله برادری، تقوا، شکر، زهد و قناعت، ساده‌زیستی و هم‌چنین اصول و معیارهای پذیرفته شده در روابط اقتصادی اسلام از قبیل اخلاق اقتصادی، مواسات، تقدیر معشیت، میانه‌روی، استقلال اقتصادی، تأکید اسلام بر تولید و توسعه و محیط‌زیست و مهم‌تر از همه عدالت و امنیت

اقتصادی، مصرف را در چارچوب مشخصی ضابطه مند می سازد که مصرف گرایی به دلیل تبعات مخرب اقتصادی و فرهنگی اش در آن محدود قرار نمی گیرد. در اسلام در کنار معیارهای سلبی که خط قرمزهای مصرف مانند اسراف، تبذیر و اتراف را تعیین می کند معیارهای ایجابی نیز وجود دارد که حدود مصرف را در الگوی، مصرف اسلامی نشان می دهد. مفاهیم محوری حد کفاف، نیاز، رفاه و شأن معیارهایی است که از جهت ایجابی، کم و کیف مصرف مشخص می کند. تعابیری هم چون اسراف، تبذیر و اتراف که در قرآن و متون روایی مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته اند به طور تام و کامل در مصرف گرایی نوین وجود دارد. بنابراین تمام آثار و پیامدهای آن از قبیل نابودی فرد و جامعه و آثار ناگوار اقتصادی و اجتماعی هم چون فقر، تجاوز به حقوق دیگران، سرکش و تکبر در مصرف گرایی نیز وجود دارد (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۳: ج ۳، ۸۹-۹۰).

سیاست در جامعه مهدوی

مفهوم سیاست در جامعه مهدوی (مکتب هدایت) در برابر سیاست غربی (مکتب قدرت) بدین شکل تعریف می شود: تلاش انسان ها در جهت تحقق قانون الهی در روی زمین، به رهبری انبیا، اوصیا و اولیا جهت نیل به سعادت قصوا.

ساختار نظام سیاسی مهدوی از سه عنصر قانون، حاکم و رهبر مردم تشکیل می شود (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰: ج ۱، ۳۰۹) جامعه مطلوب، از آرزوهای دیرین بشر است، جامعه ای سرشار از عدالت، آرامش، صفا و صمیمیت که کرامت انسان در آن تأمین شود و همه اعضای آن در مسیر رشد مادی و معنوی به دور از خطا و لغزش گام بردارند. اندیشه جامعه آرمانی، همواره ذهن متفکران و مصلحان را به خود مشغول داشته است و هر یک به فراخور آگاهی و سلیقه خویش ویژگی هایی برای آن بر شمرده اند، در این راستا جامعه مهدویت نیز یکی از جوامع مطلوب است که دارای ویژگی های خاص خود است (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰: ج ۳، ۱۲۵).

جایگاه آموزه های مهدویت در ترسیم آینده مطلوب

محور اصلی اندیشه مهدویت، بر قطعیت آینده استوار است و آموزه مهدویت، اندیشه ای معطوف به آینده است که براساس برنامه الهی، حرکت تاریخ به سوی آن برگشت ناپذیر و وعده دار شده است. این قطعیت آینده و حتمیت ظهور، سامان بخش اندیشه مهدویت پژوهی

است، اما مهدویت پژوهی و شناخت اندیشه مهدویت، تنها بخشی از معارف درباره منجی موعود است. مهدویت پژوهی نظریه پردازی دینی در عرصه‌های معطوف به آینده بشری است. مهدویت پژوهی شناخت علمی و عقلانی ما از آینده بشر و شناخت راه رسیدن به جامعه آرمانی است (کارگر، ۱۳۹۲: ۵۸).

ساختار معرفتی آرمان شهر مهدوی

فرهنگ مهدوی، مجموعه باورها و ارزش‌هایی است که درباره ظهور منجی موعود از نسل پیامبر ﷺ شکل گرفته و ریشه‌های معرفتی آن از کتاب و سنت استخراج می‌شود. اگر این باورها و ارزش‌ها اندکی از کتاب و سنت انحراف یابد، فرهنگ مهدوی دچار انحراف خواهد شد، چنان‌که تاریخ بارها ماجرای مدعیان دروغین فرهنگ مهدوی را گزارش می‌کند. آنچه جامعه مهدوی را از سایر جوامع ممتاز و متمایز می‌سازد، ساختار معرفتی و جهان بینی آن است. زیربنا و ایدئولوژی مدینه فاضله مهدوی، برنامه‌ها و آموزه‌های وحیانی اسلام است. در اسلام، آموزه مهدویت و پیرو آن، فرهنگ شکل گرفته براساس آن، قدمتی هم‌پای ظهور اسلام دارد. اگر در برخی روایات سخن از ایجاد دین و سنت جدید در عصر ظهور است، مراد از جدید، سنت‌هایی است که تا زمان ظهور محقق نشده و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به احیای اسلام راستین می‌پردازد. در جامعه آرمانی حداقل این است که عصیان به خدا آشکارا و علنی صورت نمی‌پذیرد و مردم چنان تربیت می‌شوند که حتی در نهان و خلوت نیز معصیت نکنند. گناه کمتر و یا عدم گناه به طور شهودی باعث معرفت بیشتر به خدا و ماوراء الطبیعه می‌گردد (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰: ج ۱، ۱۳۳-۱۳۵).

ویژگی‌های آرمان شهر مهدوی

الف) **خدامحوری و توحیدمداری:** مهم‌ترین ویژگی جامعه آرمانی یکتاپرستی، نفی شرک و کفر است. ایده خدامحوری و توحیدگرایی در تمام عرصه‌های حقوق، عبادت، اقتصاد، نمودار است. در نظام الهی مهدوی، خداوند عنصر فراموش شده نیست، او در متن زندگی انسان‌ها حضور دارد و خدامحوری در جامعه نهادینه می‌شود. فرهنگ توحیدی، اساسی‌ترین مؤلفه معرفتی حکومت مهدوی است.

ب) **انسان‌شناسی:** هیچ مکتب و آئینی نمی‌تواند بدون شناخت انسان، برای او نظام حقوقی، سیاسی، اقتصادی، خانوادگی و شیوه حکومتی خاص را پی‌ریزی کند. هر نوع طرح

تازه‌ای برای انسان در گرو شناخت اوست. نوع تلقی آرمان شهر مهدوی از جایگاه انسان، ترکیب پیچیده، استعدادها، امکان‌های عظیم و نیازهای واقعی وی، اهداف مدینه فاضله را رقم می‌زند. در این جامعه آرمانی ارزش‌هایی چون لذت، خوشی و رفاه برای انسان به ارزش‌های والاتری تبدیل می‌گردد، زیرا تئوری‌ها و حکومت‌هایی که جامعه انسانی را تا سرحد دام‌پروری بزرگی تنزل می‌دهند و تنها به دنبال رفاه، عدالت، اقتصاد و امنیت هستند، دیگر به وحی، کتاب، پیامبر و امام نیازی ندارند و از این رو در دامن اومانيسم گرفتار می‌آیند. در آرمان شهر مهدوی، نگاه به انسان یک‌ساحتی و مادی نیست و او را در وسعت هستی به نظاره می‌نشیند. در تئوری مهدویت، تک‌تک افراد جامعه، برگزیدگان خلقتند که از کرامت الهی برخوردارند. در جامعه مهدوی فرد عضوی از جامعه و پایه پای جامعه به رشد و شکوفایی می‌رسد و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه از یکدیگر موجب می‌شود که آدمی مسیر کمال را بییماید. در آرمان شهر مهدوی علاوه بر احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها، به هم‌گرایی فرد با جامعه نیز تصریح دارد (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰: ۱، ۱۳۵-۱۳۸).

ج) وحدت حقیقی ادیان: در آرمان شهر مهدوی، دین همه مجال‌های زندگی بشر را دربر می‌گیرد و حوزه کارکرد دین شامل همه عرصه‌های فکری، رفتاری، مادی و معنوی می‌گردد و برای تمام زوایای زندگی انسان، طرح و برنامه دارد. قلمرو گستره حکومت در این آرمان شهر بر قلمرو و گستره دین مبتنی است. عقلانیت در آرمان شهر مهدوی به لحاظ ذات، مصداق و کارکرد با عقلانیت ابزاری حاکم بر اتوپیای مور، تفاوت ماهوی دارد. عقلانیت در فرهنگ مهدوی در سه سطح مطرح می‌شود:

۱. عقلانیت بنیادین: شناخت فلسفه حیات و موقعیت حساس و استثنایی انسان در آن و شأن و جلالت عقل در تنظیم رابطه انسان با خود، جهان و خدای متعال؛
۲. عقلانیت و ارزش‌ها: شأن عقل در تنظیم رابطه انسان و معماری اخلاقیات؛
۳. عقلانیت ابزاری: مهندسی و اندازه‌گیری، نظم و پیش‌بینی و نقش عقل در محاسبات معیشتی برای رسیدن به اقتصادی شکوفا و تمدنی آباد و مرفه.

عقلانیت غربی تنها ساحت سوم را در نظر دارد، اما عقلانیت اسلامی در موالات و تربیتی منطقی، ابتدا در یک پرسش اصلی و کلان، از انسان و حیات می‌پرسد و وقتی سنگ بنای عقلانیت را گذارد و مختصات و اهداف و مبانی آن را معلوم کند به تنظیم اخلاقیات می‌نشیند و عاقبت به روش‌ها و ابزار تأمین اهداف مادی و معنوی بشریت می‌پردازد (مؤسسه آینده روشن،

۱۳۹۰: ج ۱، ۱۳۹-۱۴۳).

آرمان‌گرایی عصر مهدوی

یکی از شاخص‌های برتری یک فرهنگ و تمدن، آرمان‌گرایی و نگاه حداکثری به ایده‌آل‌های بشری است. از این نظر، دیگر ویژگی فرهنگ و تمدن جامعه عصر ظهور، آرمان‌گرایی آن است. آرمان‌گرایی جامعه مهدوی عصر ظهور به معنای چاره‌اندیشی برای دستیابی به آرزوهای بلند تاریخی است که بشر همواره تشنه آن بوده و تاکنون بدان دست نیافته است. رویکرد اصلی حرکت تمدنی جامعه عصر ظهور، تحقق آرزوها و ایده‌آل‌های دوردستی است که جامعه بشری در طول تاریخ به انتظار آن نشست است. تمدن مهدوی با نگاه حداکثری به اهداف و آرمان‌های بلند بشری، دستاوردهای شگرفی برای جامعه آینده بشری دارد. امام محمدباقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

قائم عنه السلام به سبب پیدایش ترس (در دل دشمنان) پیروز می‌گردد و زمین برای او پیموده می‌شود (و او طی الارض می‌کند) گنج‌های زمینی برایش آشکار می‌گردد و فرمانروایی و سلطنت وی شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و خداوند به وسیله او دین خود را بر تمام مکاتب جهان پیروز می‌گرداند. هر چند مشرکان راضی نباشند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۹۱).

در تمدن مبتنی بر اندیشه مهدویت، تمامی بهره‌مندی‌های مادی، معنوی، علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به صورت حداکثری و همگانی اندیشیده شده است. از این نظر، تمدن مهدوی آرمانی‌ترین ایده‌ای است که تمامی ایده‌آل‌های متعالی انسانی و آرزوهای سترگ بشری در آن تبلور یافته و راهکارهای تحقق آن در جامعه به خوبی تدبیر شده است. این ویژگی مهم و الهام‌بخش، انگیزه‌های آرمان‌خواهی را در وجود افراد جامعه زنده می‌کند و با تحول‌آفرینی در افکار و روحیات خسته بشر، امید و نشاط را در وجود آنان برمی‌انگیزد تا همه توجه‌ها و تلاش‌ها به تحقق جامعه آرمانی معطوف گردد. در چنین فضایی، همگان خود را در فرآیند پیش‌رفت جامعه، مؤثر و در بهتر شدن آینده جهان سهیم می‌دانند (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۴: ج ۱، ۲۸۹-۲۹۰). براساس یک تلقی امام مهدی علیه السلام با همت والای خود، به بشر خسته از خویش و ناامید از دیگران پناه می‌دهد و باغبانانه زمینه‌های شکوفایی‌اش را فراهم می‌نماید. تعلیم و تزکیه، اساسی‌ترین رسالت امام مهدی علیه السلام و مهم‌ترین شیوه‌های آن حضرت برای رسیدن به جامعه آرمانی است. بر این اساس، عصر ظهور، دوران رشد و تربیت به

شمار می‌آید و زمان جبران ضعف‌های بشر و ترمیم شکستگی‌های روان او خواهد بود. رسالت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه قلع و قمع آلودگان، بلکه ریشه کن کردن آلودگی است. او نمی‌آید تا بشر دورافتاده از مسیر حقیقت را از هستی ساقط کند و با حذف اصل پرستش مشکل مرا به ظاهر حل کند، بلکه می‌آید تا مهربانانه انسان‌های حیرت زده را به صراط مستقیم سعادت بازگرداند. در تلقی دیگر، عصر غیبت، عصر فرصت‌هاست. انسان‌ها در این دوران باید بکوشند از سرمایه خدادادی به بهترین شکل بهره‌مند شوند و در دریای بی‌کران فتنه‌های آخرالزمان، خود را به ساحل امن برسانند. با به پایان رسیدن عصر غیبت، فرصت‌ها نیز پایان می‌یابد و مجال بازگشت و جبران کار سستی‌ها از انسان‌ها ستانده می‌شود و تنها کسانی سزاوار زندگی در دولت عدل مهدوی خواهند بود که از فرصت‌های عصر غیبت به نحو شایسته بهره‌برده باشند. بر این اساس ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه به منزله آغاز علم‌آموزی بشر بلکه به مثابه پایان یافتن دوره تحصیل انسان خواهد بود و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ظهورش تنها کارنامه را اعطا خواهد کرد و بر پیشانی حیرت‌زدگان گمراه، مهر مردودی خواهد زد و مدال قبولی بر سینه شایستگان خواهد آویخت. البته از آن جایی که برای رشد و تکامل بشر نمی‌توان حدی تعیین کرد، شایستگی که اجازه زیستن در دولت کریم مهدوی را دریافت کرده‌اند، در سایه رهنمودهای آن امام مهربان، مدارج کمال و ترقی را خواهند پیمود و هر کس به فراخور ظرفیت خود، از چشمه‌ساز زلال امام خوبی‌ها خواهد نوشید. مجال بهره‌وری از این مواهب و زیستن در کنار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تنفس در فضای دولت او، اجرای تلاشی است که در مسیر استفاده بهینه از فرصت‌های عصر غیبت صورت می‌پذیرد. براساس تلقی یاد شده، با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرصت تجدیدنظر در اعمال و کردار گذشته و بازگشت به طریق حقیقت پایان می‌پذیرد و به اصطلاح روایات، باب توبه بسته می‌شود. از میان دو دیدگاه یاد شده، پاره‌ای از روایات به ظاهر، دیدگاه دوم را تأیید می‌کنند، براساس این روایات، با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باب توبه روی غیرمؤمنان بسته می‌شود و اظهار ندامت آنان نفعی در پی نخواهد داشت، هم‌چنان‌که براساس دسته‌ای دیگر از روایات، در دوران حکومت عدل مهدوی سفره رشد و کمال در برابر بشریت گسترده است و همگان می‌توانند از بیراهه‌هایی که در عصر غیبت پیموده‌اند، خارج شوند و در صراط سعادت گام نهند. فیض حضور در فضای عطرآگین حکومت مهدوی و بهره‌مندی از مواهب آن نصیب تمام کسانی است، که با آن حضرت هم‌سو و هم‌نوا باشند. به راستی از میان این دو دیدگاه کدام درست است و کدام خطا؟ آیا با ظهور فرصت‌ها پایان می‌یابد

و باب توبه بسته می‌شود یا این که در برابر بشر، مجال‌های افزون‌تر و افق‌های بلندتری گشوده می‌گردد؟ آیا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید تا بشر دورافتاده از مسیر حقیقت را به راه بیاورد یا این که رسالت او تصفیه جامعه بشری و پیراستن جامعه انسانی از انسان‌های منحرف است؟ سیرت و سنت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت تمام و مسئله توبه‌پذیری آن حضرت به صورت خاص، از جمله ابعاد مهم این اندیشه است. دیدگاه بسته شدن باب توبه در زمان ظهور، از سویی امکان دارد انگیزه منتظران را برای اصلاح و خودسازی افزایش دهد، اما از سویی دیگر، ممکن است مایه هراس از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کاهش اشتیاق منتظران به درک عصر ظهور و در نتیجه باعث کند شدن روند زمینه‌سازی و نیز گسترش احساس یأس و نومیدی به آینده گردد. از این رو به وجود ریشه‌های این دیدگاه در پاره‌ای از روایات، سزاوار است درباره صحت و سقم این دیدگاه تحقیق جامعه صورت پذیرد. افزون بر این، از میان دو دیدگاه توبه‌پذیری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بسته شدن باب توبه در عصر ظهور، اگر دیدگاه اول درست باشد، این ناصواب بودن دیدگاه دوم به منظور پالایش احادیث مهدوی از خرافه‌ها و زنگارها، ضرورت دارد. اگر دیدگاه دوم درست باشد، از سویی باید با طرح آن در جامعه، زنگ‌ها را به صدا درآورد و توجه‌ها را جلب کرد تا انسان‌های عصر غیبت پیش از تمام شدن فرصت‌ها قدر آن را بدانند. از سویی دیگر، باید به این پرسش پاسخ داد که این دیدگاه چگونه با شخصیت عطف و مهربان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم‌خوانی دارد. بنابراین برای صحت هر یک از فرضیه‌های یاد شده، کاوش و تحقیق در مورد آن مطلوب و بلکه ضروری است (آیتی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۱۱-۱۳).

زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تحقق ظهور

۱. **عشق و دلدادگی:** انسان امروز که پس از تلاش برای رسیدن به سعادت و خوشبختی همه درها را بسته می‌بیند اشتیاق به برپایی حکومت منجی موعود در وجودش شعله‌ورتر می‌شود. تداوم این حالت، روح آدمی را به مرحله‌ای جدید می‌رساند که آن عطش و شیفتگی است. اگر در جامعه بشری، این عطش پدید آید، مرحله‌ای مهم از زمینه اجتماعی ظهور فراهم شده است، زیرا بشر از همان آغاز زندگی اجتماعی برای پیش برد اهداف انسانی خویش سر به فرمان حاکمان و زمامداران نهاده است. او امیدوار بود که این حاکمان زورمند با پرهیز از زورگویی، جامعه‌ای صالح بسازند، اما نه تنها به این خواسته برخاسته از عمق جان خویش نرسیده، بلکه روزبه‌روز شاهد گسترش ظلم و ستم‌های گوناگون بوده است، از این رو، هرگاه که با پدیده

ناروایی روبرو شود، از اعماق وجود آرزو می‌کند مردی الهی بیاید و روح عدالت را در کالبد جامعه بشری بدمد. این همان زمینه مساعد و بستر مناسب برای پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که باید در وجود تمامی جامعه بشری رسوخ کند.

۲. **امید به آینده سبز:** در دوران پیش از ظهور که یأس، بر بشریت سایه افکند، ویژگی آینده‌نگری انسان حس امید را ناخودآگاه زنده می‌کند و آدمی را به روزی دیگر بشارت می‌دهد. بی‌گمان نسلی که دچار سرخوردگی‌هاست، در پی دیدن روزی خواهد بود که همه استعدادهاى نهفته‌اش شکوفا شود و همه انسان‌ها در پهنه زمین به جایگاه حقیقی انسان برسند. ره‌آورد بررسی‌ها نشان می‌دهد که همه تلاش امامان هدایت، در زمان ناامیدی شیعیان از دنیا و حاکمان آن برافروختن چراغ امید به گشایش امور از سوی پروردگار متعال بوده است.

۳. **اضطراب:** از بررسی روایات می‌توان چنین به دست آورد که اضطراب، تبلور فراهم آوردن همه آمادگی‌ها و زمینه‌هاست. انسان مضطر، دنیا را با تمام وسعتش، تنگ احساس می‌کند و زرق و برق فریبنده ظاهری و قدرت‌های شیطانی، او را غافل نمی‌کند. انسان‌های منتظر، باید به مرحله‌ای برسند که به تحقیق تعیین کنند برای نجات از گرداب‌ها، هیچ پناهی جز حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست. رسیدن جامعه به مرحله‌ای که در آن، همه مردم یکدل و یکصدا، خواهان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند و با همه وجود، اضطراب خود را به حضرت فریاد زنند و آماده یاری و جانبازی در رکاب او برای رسیدن به اهداف والای وی باشند، ظهور را نزدیک خواهد کرد. امروزه جامعه بشری پر از ظلم و جور است و در آخرالزمان، ظلم نهادینه می‌شود، چنان که با تغییر دولت‌ها و آمدوشد سردمداران و دست‌به‌دست گشتن قدرت بین حزب‌های گوناگون، تغییری در مسیر جهان صورت نمی‌گیرد. حاصل این ظلم فراگیر، اضطراب مردم است یعنی بی‌نتیجه ماندن راه‌های عادی برای رهایی و خلاصی از بن‌بست. در آن زمان بر اثر ستم مستبکران، دین و آئین حق، چنان غریب می‌ماند که کمتر کسی آن را می‌شناسد و از آن پیروی می‌کند. حکومت مهدوی با یک سیاست کیفری مناسب و منسجم که از راهکارهای پیشگیرانه و جبرانی استفاده می‌کند، در مقابل بزهکاری و تجاوز به اموال و حقوق مردم، واکنش نشان می‌دهد که اهم آن عبارت است از:

الف) اجرای عدالت اجتماعی: عدالت، بنیاد و قوام جامعه سالم است که بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انحراف‌ها و جرایم را از میان می‌برد و هنگام بروز کجی و انحراف در جامعه می‌کوشد تا بهترین شیوه ممکن حالت اعتدال را به جامعه بازگرداند،

به گونه‌ای که حقوق مشروع افراد و کیان اجتماع لطمه نخورد. نقش کارساز و زیربنایی عدالت، انسان را همواره شیفته خود ساخته است. هیچ انسانی هر چند ستمکار از شعار عدالت خواهی و عدالت طلبی نمی‌گریزد. توزیع و تقسیم عادلانه ثروت به گونه‌ای است که دیگر فقیر در سراسر کشور اسلامی یافت نمی‌شود. جرایم مالی با سیاست عادلانه از توزیع ثروت‌ها، شکوفایی صنعت و بالا رفتن سطح رفاه عمومی، ریشه کن می‌شود، زیرا در سیاست پیشگیرانه، مبارزه با علت جرم است و عوامل و زمینه‌های جرم و دعوی نابود می‌شود. فقری یافت نمی‌شود به انگیزه مالی دعا و مراغه حقوقی راه اندازد یا جرایم مالی را مرتکب شود.

ب) جهل‌زدایی و دانش‌افزایی: یکی از عوامل جرم، نادانی و جهل است. هر قدر سطح تحصیلات و میزان اعتباری و سرمایه‌گذاری افراد در جامعه زیاد باشد، میزان ارتکاب جرائم پائین خواهد آمد، زیرا انسان تحصیل کرده جرمی که حیثیت اجتماعی او را نابود کند مرتکب نمی‌شود. پس برای جلوگیری از انحراف‌ها و جرائم، باید راهکاری را در نظر گرفت که میزان اعتبار و سرمایه‌گذاری افراد در جامعه بالا رود. یکی از راه‌کارها، افزایش سطح تحصیلات و اعتبار اجتماعی افراد است. دولت مهدوی، دولت دانش و عقلانیت است. علم و دانش بشری به بالاترین حد تکاملی خود می‌رسد و جامعه مهدوی جامعه عقلانی است. در جامعه‌ای که براساس عقلانیت پایه‌گذاری شده باشد به طور طبیعی جرم و دعاوی مالی کم خواهد بود (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸؛ ج ۴، ۲۰۷-۲۰۸).

ج) پرورش اخلاق و فضایل انسانی: اخلاق و تربیت، نقش مؤثری در پیشگیری از جرم و ناهنجاری اجتماعی دارد. در هر جامعه‌ای که میزان پایبندی به اخلاق بالا باشد، میزان جرایم پایین خواهد بود. آن‌چه در اسناد بین‌المللی مکتوب است و جرم‌شناسان نیز بیان داشته‌اند، تصریح روشن به این نکته است که بین جرم و عدل وجود نابه‌هنجاری‌های اخلاقی در سطح فردی یا اجتماعی، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. اخلاق فردی به مثابه نظام نظارت‌کننده درونی، در مقابل قانون و پلیس که نظارت‌کننده‌های بیرونی هستند عمل می‌کند و اخلاق اجتماعی نیز خود، نوعی نظارت‌کننده غیررسمی است که به مراتب قوی‌تر و کارآمدتر از قانون است که ابزار نظارت‌کننده رسمی به شمار می‌رود. این نظارت درونی و اخلاقی در دولت مهدوی به مدارج عالی خود می‌رسد که دولت مهدوی را می‌توان دولت ارزشی اخلاقی و دولت فضیلت و انسانیت دانست. دولت اخلاقی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این معناست که هم خود جامع تمام فضایل، نیکی‌ها و محاسن اخلاقی و عقلی است و هم در مقام عمل و اجرا، همه آنها را در

جامعه محقق می‌سازد. هم مدافع و حامی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و دینی است و هم ابزار زندگی صنعتی و عملی بشر را برای تحقق کمالات انسانی به کار می‌گیرد و جامعه را زنده و انسانیت را احیا می‌کند. معیار مشترک این دولت در سراسر جهان، اخلاق و معنویت مبتنی بر دین و تکامل و تعالی انسان است. براساس این مبنا، دولت اخلاقی کارآمدی و کارایی خود را در همه شئون و ابعاد زندگی انسان بروز می‌دهد. در واقع اخلاق متعالی و تصحیح رابطه انسان با اطراف، باعث تغییر و تکامل و طرز تلقی و باورهای او و استفاده درست و بهینه از همه امکانات می‌شود که برآیند آن یک جامعه اخلاقی است راهبرد احیاگری ایمان الهی و حیات مؤمنانه و توحیدی و ترویج و تقویت آن، جایگاهی اساسی و محوری در زمینه‌سازی ظهور و تداوم دولت مهدوی دارد و زیربنای دیگر راهبردها و دستاوردها مانند امنیت فراگیر و همه‌جانبه در دولت مهدوی است. هم‌چنان‌که ایمان یا امنیت معنوی، درآموزه‌های قرآنی و روایی، سرچشمه و مبنای اصلی تحقق حیات طیبیه و ایمن و همه‌عطایای الهی است. بسترسازی حیات معنوی طیبیه و حسنه برای تهذیب و تربیت افراد چه در حوزه رفتارهای فردی و چه اجتماعی و دور کردن آنان از حیات سیئه و غیرایمانی، اصلی‌ترین سازوکار جامعه آرمانی و موعود اسلامی یا همان حیات طیبیه است و نظام‌های زمینه‌ساز و منتظران باید بکوشند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنان و تقابل با دشمنان جبهه ایمان، زمینه‌ساز عصر ظهور گردند. بدیهی است با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف این راهبرد با قوت و اتقان کامل در جامعه اجرا خواهد شد و زمینه ورود سرشار از عافیت و سلامت و ایمن از عذاب مؤمنان به زندگی آن جهانی و اخروی فراهم خواهد شد. در نتیجه، احیاگری ایمان الهی و حیات مؤمنانه اصلی‌ترین عامل زمینه‌ساز و راهبرد تحقق امنیت و حیات طیبیه موعود و دولت مهدوی است (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸: ج ۴، ۲۰۸-۲۱۱) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به منزله مظهر انسان کامل، عالی‌ترین و عادلانه‌ترین نوع مدیریت را عرضه می‌کند. پیشرفت‌ها در عصر ظهور، معلول عواملی است که یکی از آن‌ها وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقصی است. او سرآمد پارسایان است و نوع حکومتش، الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدفش متحد کردن جماعت‌ها و ملت‌ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم است. حاکم آن نیز امام معصوم، احیاکننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورات الهی است. بنابراین با حاکمیت توحید و احیای ایمان و حیات مؤمنانه در دولت مهدوی، تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی،

وطنی، جغرافیایی، ملکی، حزبی و زبانی از میان می‌رود و همه مؤمنان، در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خدا خواهند بود. بنابر حکومت واحد جهانی، زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه به نام حیات طیبیه مهدوی اداره می‌شود (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸: ج ۲، ۲۲۳).

نتیجه‌گیری

آینده‌نگری در دو سطح قابل بررسی است. سطح کلان^۱ و سطح خرد.^۲ ادیان از پیروان خود انتظار دارند که با توجه به شاخص‌های جامعه آرمانی به اقتضای امکانات و توانمندی اجتماعی خود کوشش کنند تا در یک روند تکاملی حداقل‌هایی از ویژگی‌های جامعه مطلوب اسلامی را محقق سازند. با الهام از آموزه‌های اسلامی مانند سنت‌های اجتماعی و عبرت‌آموز و توکل به خدا می‌توان نوعی آینده‌پژوهی دینی را استخراج نمود که حاصل آن ترسیم چشم‌اندازی دقیق از آینده‌ای آرمانی باشد. با قرار دادن این آینده مطلوب به عنوان هدف می‌توان آینده‌های ممکن را به عنوان حلقه‌های میانی رسیدن به ویژگی‌های جامعه آماده ظهور طراحی و تعریف نمود. از مهم‌ترین عواملی که در زندگی و سرنوشت انسان‌ها نقش دارد و می‌تواند زمینه‌ساز سعادت و گمراهی افراد باشد، جامعه‌ای است که ما در آن زندگی می‌کنیم. به دلیل اهمیت مهم جامعه در زندگی افراد، باید برای نیل به جامعه آرمانی تلاش نمائیم تا در سایه آن به رشد و کمال برسیم. اسلام برنامه‌ای جامع و دستوراتی کامل برای رسیدن به جامعه‌ای مطلوب به انسان‌ها معرفی می‌نماید که افراد با به کار بستن آنها و ثبات در اجرای آن دستورالعمل‌ها به جامعه آرمانی دلخواه دست یابند. دین، جامعه آرمانی را برای رهایی از بند اسارت قابل تحقق می‌داند که با حرکت تدریجی ندای فطرت سازگار است و به تشکیل جامعه مهدوی منجر خواهد شد. مهم‌ترین ویژگی این جامعه، انقلاب مهدوی است. ریشه و اساس آرمان‌شهر مهدوی در تحقق فرج و ظهور منجی موعود نهفته است. آموزه اعتقادی حضور و وجود در افق زمانی مشترک فرد منتظر، امید به تحقق فرج را عینیت می‌بخشد و مضاعف

۱. سطح کلان آینده‌پژوهی در حوزه دین به فرجام بشر و اندیشه تحقق جامعه آرمانی، به آمدن منجی در آخرالزمان اشاره دارد.

۲. آینده‌نگری در آموزه‌های دینی در سطح خرد است که به آینده نزدیک و معین و قابل پیش‌بینی فرد و گروه و جامعه ارتباط پیدا می‌کند.

می‌سازد. امام (عائِب) در تفکر شیعی، غایب از نظر اما همواره حاضر و موجود است. عنصر دیگری که انتظار فرج را عینیت می‌بخشد آن است که امید تنها حالتی روان شناختی نیست، بلکه در دایره عمل انسان منتظر جای دارد انتظار فرج افضل اعمال و نه حالات است. در جامعه مهدوی اصلاح فرهنگ زیربنای همه اصلاحات خواهد بود. با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انقلابی فراگیر در جهان ایجاد خواهد شد و در نتیجه همه جهان از یک فرهنگ و یک دین واحد پیروی خواهند نمود. حکومتی براساس دین با فرهنگی دینی و توسعه همه جانبه آن در جهان و یکدست شدن فرهنگ‌ها و حرکت جوامع مختلف بشری به سوی کمال از نتایج ظهور منجی خواهد بود. دوری از خرافات و ناخالصی‌ها از اسلام و ارائه کامل آن از دیگر ویژگی‌های جامعه آرمانی مهدوی است و هم‌چنین اقتصاد جهان در این دوران دگرگون شده و باعث فقرزدایی و عدالت خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می‌فرمایند:

وقتی در امت من، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کنند. مردم به اندازه‌ای از نعمت‌های الهی برخوردار خواهند شد که در هیچ زمانی به چنان وضعی دست نیافته‌اند و زمین و آسمان برکات خود را برای آن حضرت و یارانش ظاهر خواهد ساخت (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۷۸).

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرمایند:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اموال را در میان مردم چنان مساوی قسمت خواهند کرد که دیگر نیازمندی یافت نخواهد شد که به او زکات بدهند (همان: ج ۵۲، ۳۰۹).

در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رفاه و پیشرفت علم و تکنولوژی به حد اعلاء خود خواهد رسید. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

زمین گنجینه‌هایش را برای او خارج می‌سازد و وی مال و سرمایه بی‌شماری را بین مردم تقسیم می‌کند (همان: ج ۵۱، ۶۸).

دیگر ویژگی این جامعه، وجود امنیت پایدار است که مهم‌ترین ثمره آن شکوفایی تمدن خواهد بود. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیاستی که در پیش خواهند گرفت، در مدت بسیار کوتاهی امنیت و صلح و صمیمیت را در تمام زمینه‌ها تحقق خواهند بخشید. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

اگر قائم ما به پا خیزد، کینه از دل‌های آدمیان سفر می‌کند، و حیوان‌های وحشی با یکدیگر با صلح و صفا زندگی می‌نمایند، آن چنان که زنی [راه] بین عراق و شام را چون رهگذری در آرامش، از روی سبزه‌ها عبور می‌نماید، و بر سرش زینت (طلا و نقره) حمل می‌کند، ولی هیچ موجودی از وحوش او را نمی‌ترساند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۱۶).

هم‌چنین روابط اجتماعی سالم باعث گسترش صلح جهانی پایدار در میان بشریت خواهد شد که این، به معنی نائل شدن به مدینه فاضله‌ای است که انسان‌ها قرن‌های متمادی در انتظار آن بوده‌اند. اولین جایگاه مهمی که می‌تواند از خانواده‌ای، خانواده‌ای مهدوی بسازد، کسب شناخت نسبت به جایگاه امام زمان علیه السلام است. خانواده و جامعه‌ای که همواره به دنبال معرفت‌افزایی اند نشانه‌های چنین معرفتی را در رفتار و افکار خود نشان خواهند داد پس وقتی جامعه آرمانی شکل گرفت این شکل‌گیری برای جامعه به معنای تحقق عدالت خواهد بود پس در عمل، به دنبال عدالت‌طلبی خواهند بود و برای رسیدن به یک جامعه آرمانی، دانش‌افزایی خانواده بسیار حائز اهمیت است زیرا بسیاری از مشکلات اجتماعی به دلیل عدم اطلاع کافی خانواده نسبت به اهمیت موضوع مهدویت ایجاد می‌شود تا جایی که فرقه‌های انحرافی از عدم آگاهی مردم نسبت به معرفت مهدویت به نفع عقاید بی‌اساس خود بهره می‌برند. پس اولین کاربرد عملی آینده‌پژوهی دینی کلان (در حوزه مهدویت)، دانش‌افزایی مهدوی و تربیت جامعه به منظور درک جایگاه منجی است. مورد دیگر برای نیل به جامعه مهدوی، احتراز از محرمات و حفظ حدود شرعی است که این مهم بایستی پس از ایجاد آگاهی در مورد مهدویت صورت پذیرد، پس رعایت موازین اخلاقی بخش بزرگی از ایده‌آلی است که در جامعه مهدوی رقم می‌خورد. دومین کاربرد عملی آینده‌پژوهی دینی با دید کلان، خانواده مسئولیت‌پذیر است. خانواده مسئول، باعث ایجاد جامعه‌ای مسئولیت‌گرا می‌شود. اگر مسئولیت‌پذیری از خانواده مهدوی آغاز گردد و به جامعه تسری یابد و مردم هر کدام نسبت به آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و انحرافات دینی مسئولیت‌پذیر باشند، این خانواده جامعه مسئول می‌سازد که به موقع نسبت به انجام اقدام اصلاحی عمل نماید. مورد دیگر کاربرد مقوله آینده‌پژوهی دینی، اطاعت‌پذیری از امام زمان علیه السلام است. اگر موضوع اطاعت بین مردم و امام تقویت نشود مسائلی ایجاد خواهد شد که تاریخ بارها شاهد آن بوده است.^۱ پس اطاعت‌پذیری را باید در خانواده نهادینه نمود و نهایتاً به عنوان کاربرد آخر، پرورش فرزندان با شوق وصل به امام زمان علیه السلام است. تقویت عواطف و احساسات در خانواده مهدوی منجر به تقویت عاطفی در جامعه مهدوی خواهد شد چراکه خانواده مهدوی نسبت به غیبت و حضور امام زمان علیه السلام عکس‌العمل نشان می‌دهد بنابراین خانواده مدتی از ایام هفته را به منظور انجام راز و نیاز با

۱. اشاره به قرآن به نیزه نمودن در جنگ صفین، قضیه صلح امام حسن علیه السلام و قضیه کربلا.

امام خویش در نظر گرفته تا با توسل به امام غائب، نقش عاطفی خود را ایفاء نماید و ارادت خود را اثبات نماید. در آخر، پژوهش‌گر موضوعات «آینده پژوهی دینی در نهج البلاغه»، «آینده پژوهی دینی در صحیفه سجادیه» و «آینده پژوهی در سایر ادیان» را به عنوان زمینه تحقیقی در آینده پژوهشی دینی می‌توان مدنظر قرار داد.

منابع

۱. ابی داود سجستانی، ابی داود ابن الاشعث (۱۴۱۰ق)، *سنن ابی داود*، بیروت: دارالفکر.
۲. آیتی، نصرت‌الله (۱۳۸۸ش)، *توبه‌پذیری*، قم: مؤسسه آینده روشن بشریت.
۳. آیین، یاسر (۱۳۹۰ش)، «گفتگو از آینده پژوهی دینی با تأکید بر آموزه مهدویت»، *فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی*، شماره سوم.
۴. بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۸ش)، *سیاست و مهدویت*، قم: مؤسسه آینده روشن، اول.
۵. داودآبادی، مهدی (۱۳۸۹ش)، *درام و بن‌مایه‌های مهدوی*، قم: مؤسسه آینده روشن، اول.
۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، اول.
۷. زارع میرک‌آبادی، علی (۱۳۹۲ش)، *بررسی مبانی معرفت‌شناختی آینده پژوهی اسلامی و بررسی تأثیرات آن بر روش‌های آینده پژوهی*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، اول.
۸. سروری مجد، علی (۱۳۹۲ش)، «قرآن و جامعه آرمانی»، *مجله سراج منیر*، شماره ۱۲/۴.
۹. سهرابی مشتقین، فرامرز (۱۳۹۱ش)، *مهدویت و فلسفه تاریخ*، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، اول.
۱۰. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۰ش)، *اخلاق ناصر*، تهران: خوارزمی.
۱۱. فاضل قانع، حمید (۱۳۸۸ش)، «آینده پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی»، *مجله معرفت فرهنگی اجتماعی*، شماره ۱/۱.
۱۲. قادری، مهدی؛ غربی، حسن (۱۳۸۷ش)، «تعلیم و تربیت در اندیشه فارابی و دورکیم»، *مجله معرفت*، شماره ۱۳۰.
۱۳. کارگر، رحیم (۱۳۸۷ش)، *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، دوم.
۱۴. کارگر، رحیم (۱۳۸۹ش)، «آینده پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن»، *مجله انتظار موعود*، شماره ۳۲.

۱۵. کارگر، رحیم (۱۳۹۲ش)، *مهدویت و آینده‌پژوهی*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۱۶. گروه مؤلفان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۸۷ش)، *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام*، تهران: انتشارات سمت، اول.
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۸. مرکز مطالعات فرهنگستان علوم (۱۳۹۳ش)، *درآمدی بر آینده‌پژوهی*، تهران: پارس ضیا، اول.
۱۹. ملکی‌فر، عقیل (۱۳۸۸ش)، *الفبای آینده‌پژوهی*، تهران: نشر کرانه علم، اول.
۲۰. مؤسسه آینده روشن (۱۳۸۸ش)، «مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت»، *مقالات برگزیده*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۲۱. مؤسسه آینده روشن (۱۳۸۸ش)، *مجموعه آثار پنجمین همایش دکترین مهدویت*، قم: مؤسسه آینده روشن.
۲۲. مؤسسه آینده روشن (۱۳۸۸ش)، *مجموعه مقالات برگزیده*، قم: مؤسسه آینده روشن، اول.
۲۳. مؤسسه آینده روشن (۱۳۹۰ش)، «رسانه، جامعه و دولت زمینه‌ساز، راهبردها و راهکارهای فرهنگی»، *مجموعه مقالات هفتمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، قم: مؤسسه آینده روشن، اول.
۲۴. مؤسسه آینده روشن (۱۳۹۰ش)، «مجموعه آثار ششمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت»، *مجموعه مقالات برگزیده*، قم: مؤسسه آینده روشن، اول.
۲۵. مؤسسه آینده روشن (۱۳۹۲ش)، «هنر زمینه‌ساز، راهبردها و راهکارهای فرهنگی»، *مجموعه مقالات هشتمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، قم: مؤسسه آینده روشن، اول.
۲۶. مؤسسه آینده روشن (۱۳۹۳ش)، «اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز، راهبردها و راهکارها»، *مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، قم: مؤسسه آینده روشن، اول.
۲۷. مؤسسه آینده روشن (۱۳۹۴ش)، «فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز، راهبردها و راهکارها»، *مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، قم: مؤسسه آینده روشن، اول.
۲۸. واعظی، محمود (۱۳۹۴ش)، «جایگاه آینده‌پژوهی در آیات و روایات»، *نشریه بصیرت و تربیت اسلامی*، شماره ۳۴.

۲۹. همائی، جلال‌الدین (۱۳۶۸ش)، *غزالی نامه*، تهران: بی‌نا، سوم.

30. Bell, Wendell, Foundations of futures studies : human science for a new era, 2003

